

## Tag der Kreuzigung des Herrn

زیرا خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان شود.

Also hat Gott die Welt geliebt, dass er seinen eingeborenen Sohn gab, auf dass alle, die an ihn glauben, nicht verloren werden, sondern das ewige Leben haben.

*Spruch des Tages– Johannes 3,16*

### Eingangspsaln (Introitus) Nr. 32

خدای من، خدای من! چرا مرا ترک کردی؟ چرا از من دور هستی و کمک نمی کنی و به فریادم نمی رسی؟

Der Herr ward gehorsam bis zu Tod, ja zum Tod am Kreuz.

Mein Gott, mein Gott, warum hast du mich verlassen? Ich schreie, aber meine Hilfe ist ferne.

اما من کرم هستم، نه انسان. نزد همه کس خوار و خفیف شده ام.

Ich aber bin ein Wurm und kein Mensch, ein Spott der Leute und verachtet vom Volk.

هر که مرا می بیند مسخره ام می کند، آنها سر خود را می جنبانند.

Alle, die mich sehen, verspotten mich, sperren das Maul auf und schütteln den Kopf:

و می گویند: «تو به خداوند توکل کردی، چرا او تو را نجات نمی دهد؟ اگر خداوند تو را دوست دارد، چرا به تو کمک نمی کند.»

»Er klage es dem HERRN, der helfe ihm heraus – und rette ihn, hat er Gefallen an ihm.«

گلویم همچون سفال خشک شده و زبانم به سقف دهانم چسبیده است و تو مرا بر روی خاک، در حال مرگ رها کرده ای.

Meine Kräfte sind vertrocknet wie eine Scherbe, und meine Zunge klebt mir am Gaumen.

دشمنان، یعنی این گروه شریر، مانند سگ، دور مرا گرفته اند و دستها و پاها را سوراخ کرده اند.

Denn Hunde haben mich umgeben, und der Bösen Rotte hat mich umringt.

لباسهایم را بین خود تقسیم می کنند و بر ردای من قرعه می اندازند.

Sie teilen unter sich meine Kleider und werfen das Los um mein Gewand.

اما تو ای خداوند، از من دور مشو! ای پاور من، به دادم برس!

Aber du, HERR, sei nicht ferne; meine Stärke, eile, mir zu helfen!

## Lesung aus dem Alten Testament

Jesaja 52,13 – 53,12

- 13 خداوند می‌گوید: «بنده من موفق و کامیاب خواهد شد، او به رتبه‌ای عالی و بلند دست خواهد یافت.
- 14 مردم از دیدن او وحشت می‌کردند، قیافه او چنان کریه بود که شباهتی به آدمیان نداشت.
- 15 اما اکنون ملت‌های زیادی در حسرت‌اند و پادشاهان از تعجب و حیرت گیج شده‌اند.
- آنها اکنون چیزی را می‌بینند و می‌فهمند، که قبلاً هرگز نمی‌دانستند.»
- 1 مردم در جواب می‌گویند: «چه کسی می‌توانست آنچه را که ما اکنون شنیدیم، باور کند؟ چه کسی می‌توانست در تمام این چیزها قدرت خداوند را ببیند؟
- 2 اراده خداوند بر آن بود که بنده او مثل نهالی در زمین خشک رشد کند.
- 3 ما او را خوار شمردیم و طرد کردیم، و او متحفل رنج و درد شد.
- 4 «او متحفل مجازاتی شد که حق ما بود، و او دردهایی را تحفل کرد که می‌بایست ما تحمل می‌کردیم، و ما پنداشتیم که درد و رنج و زحمت‌های او مجازاتی از جانب خدا بود.
- 5 اما به‌خاطر گناهان ما، او مجروح شد و به‌خاطر شرارتهای ما، او مضروب گردید.
- و به‌خاطر دردی که او متحفل شد، شفا یافتیم و به‌خاطر ضربه‌هایی که او تحفل کرد، سالم شدیم.
- 6 همه ما مثل گوسفندان گمشده بودیم و هریک از ما به راه خود می‌رفت.
- خداوند گناه ما را به حساب او آورد، و او به جای ما متحفل آن مجازات شد.
- 7 «با او، با خشونت رفتار شد، اما او با فروتنی آن را تحفل کرد. مانند بزهای که به کشتارگاه می‌برند، و مانند گوسفندی که در حال پشم‌چینی ساکت است، او دهان خود را نگوید. 8 او را ظالمانه گرفتند، محکوم کردند و به پای مرگ بردند، و هیچ‌کس اعتنایی به سرنوشت او نداشت. او به‌خاطر گناهان قوم ما کشته شد.
- 9 او را در مقبره شیریان و در کنار دولتمندان دفن کردند، هرچند که او هیچ‌وقت مرتکب جرمی نشده بود و هیچ ناراستی در دهانش نبود.»
- 10 خداوند می‌گوید: «این اراده من بود که او متحفل چنین رنجی بشود.
- او برای آوردن بخشش و آمرزش قربانی شد به این دلیل زندگی او طولانی خواهد بود و او نواده خود را خواهد دید. و به وسیله او اراده من، که منتهی به مسرت است، اجرا خواهد شد.
- 11 بعد از تحفل یک زندگی پررنج، او ثمره مشقت خود را خواهد دید؛ او خواهد دانست که درد و رنج او بیپایان نبوده است. بنده صادق من که از او خوشنودم، دردهای مردم زیادی را تحفل خواهد کرد.
- و من به‌خاطر او، آنها را می‌بخشم.
- 12 بنابراین من مقامی عالی، و جایگاهی میان بزرگان و صاحبان قدرت، به او خواهم داد. او جان خود را با رضایت از دست داد و به سرنوشت شیریان مبتلا شد. او جای گناهکاران را گرفت و از خدا خواست تا آنها آمرزیده شوند.»

## Tag der Kreuzigung des Herrn

زیرا خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هرکه به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان شود.

Also hat Gott die Welt geliebt, dass er seinen eingeborenen Sohn gab, auf dass alle, die an ihn glauben, nicht verloren werden, sondern das ewige Leben haben.

*Spruch des Tages – Johannes 3,16*

### Eingangspsaln (Introitus) Nr. 32

خدای من، خدای من! چرا مرا ترک کردی؟ چرا از من دور هستی و کمک نمی‌کنی و به فریادم نمی‌رسی؟

اما من کرم هستم، نه انسان. نزد همه کس خوار و خفیف شده‌ام.

هر که مرا می‌بیند مسخره‌ام می‌کند، آنها سر خود را می‌جنبانند.

و می‌گویند: «تو به خداوند توکل کردی، چرا او تو را نجات نمی‌دهد؟ اگر خداوند تو را دوست دارد، چرا به تو کمک نمی‌کند.»

گلویم همچون سفال خشک شده و زبانم به سقف دهانم چسبیده است و تو مرا بر روی خاک، در حال مرگ رها کرده‌ای.

دشمنان، یعنی این گروه شریک، مانند سگ، دور مرا گرفته‌اند و دستها و پاهای مرا سوراخ کرده‌اند.

لباس‌هایم را بین خود تقسیم می‌کنند و بر ردای من قرعه می‌اندازند.

اما تو ای خداوند، از من دور مشو! ای پاور من، به دادم برس!

Der Herr ward gehorsam bis zu Tod, ja zum Tod am Kreuz.

Mein Gott, mein Gott, warum hast du mich verlassen? Ich schreie, aber meine Hilfe ist ferne.

Ich aber bin ein Wurm und kein Mensch, ein Spott der Leute und verachtet vom Volk.

Alle, die mich sehen, verspotten mich, sperren das Maul auf und schütteln den Kopf:

»Er klage es dem HERRN, der helfe ihm heraus – und rette ihn, hat er Gefallen an ihm.«

Meine Kräfte sind vertrocknet wie eine Scherbe, und meine Zunge klebt mir am Gaumen.

Denn Hunde haben mich umgeben, und der Bösen Rotte hat mich umringt.

Sie teilen unter sich meine Kleider und werfen das Los um mein Gewand.

Aber du, HERR, sei nicht ferne; meine Stärke, eile, mir zu helfen!

## Predigtlesung (IV)

Lukas 23,32-49

- 32 دو جنایتکار هم برای اعدام با او بودند
- 33 و وقتی به محلی موسوم به «کاسه‌سر» رسیدند، او را در آنجا به صلیب میخکوب کردند. آن جنایتکاران را هم با او مصلوب نمودند، یکی را در سمت راست و دیگری را در سمت چپ او.
- 34 عیسی گفت: «ای پدر، اینان را ببخش زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند.» لباس‌های او را به قید قرعه میان خود تقسیم کردند.
- 35 مردم ایستاده تماشا می‌کردند و رهبران آنان با طعنه می‌گفتند: «دیگران را نجات داد. اگر این مرد مسیح و برگزیده خداست، حالا خودش را نجات دهد.»
- 36 سربازان هم او را مسخره کردند و جلو آمده، شراب ترشیده به او تعارف کردند
- 37 و گفتند: «اگر تو پادشاه یهودیان هستی خود را نجات بده.»
- 38 در بالای سر او نوشته شده بود: «پادشاه یهودیان.»
- 39 یکی از آن جنایتکاران که به صلیب آویخته شده بود با طعنه به او می‌گفت: «مگر تو مسیح نیستی؟ خودت و ما را نجات بده.»
- 40 اما آن دیگری با سرزنشش به اولی جواب داد: «از خدا نمی‌ترسی؟ تو و او یکسان محکوم شده‌اید.
- 41 در مورد ما منصفانه عمل شده، چون ما به سزای کارهای خود می‌رسیم، اما این مرد هیچ خطایی نکرده است.»
- 42 و گفت: «ای عیسی، وقتی به سلطنت خود رسیدی مرا به یاد داشته باش.»
- 43 عیسی جواب داد: «خاطر جمع باش، امروز با من در فردوس خواهی بود.»
- 44 تقریباً ظهر بود، که تاریکی تمام آن سرزمین را فراگرفت و تا ساعت سه بعد از ظهر آفتاب گرفته بود
- 45 و پرده‌ی معبد بزرگ دو تکه شد.
- 46 عیسی با فریادی بلند گفت: «ای پدر، روح خود را به تو تسلیم می‌کنم.» این را گفت و جان داد.
- 47 وقتی افسری که مأمور نگهبانی بود، این جریان را دید خدا را حمد کرد و گفت: «در واقع این مرد بی‌گناه بود.»
- 48 جمعیتی که برای تماشا گرد آمده بودند وقتی ماجرا را دیدند، سینه‌زنان به خانه‌های خود برگشتند.
- 49 آشنایان عیسی با زنانی که از جلیل همراه او آمده بودند، همگی در فاصله‌ی دوری ایستاده بودند و جریان را می‌دیدند.

## Tag der Kreuzigung des Herrn

زیرا خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هرکه به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان شود.

Also hat Gott die Welt geliebt, dass er seinen eingeborenen Sohn gab, auf dass alle, die an ihn glauben, nicht verloren werden, sondern das ewige Leben haben.

*Spruch des Tages- Johannes 3,16*

### Eingangspsaln (Introitus) Nr. 32

خدای من، خدای من! چرا مرا ترک کردی؟ چرا از من دور هستی و کمک نمی‌کنی و به فریادم نمی‌رسی؟

اما من کرم هستم، نه انسان. نزد همه کس خوار و خفیف شده‌ام.

هر که مرا می‌بیند مسخره‌ام می‌کند، آنها سر خود را می‌جنبانند.

و می‌گویند: «تو به خداوند توکل کردی، چرا او تو را نجات نمی‌دهد؟ اگر خداوند تو را دوست دارد، چرا به تو کمک نمی‌کند.»

گلویم همچون سفال خشک شده و زبانم به سقف دهانم چسبیده است و تو مرا بر روی خاک، در حال مرگ رها کرده‌ای.

دشمنان، یعنی این گروه شریک، مانند سگ، دور مرا گرفته‌اند و دستها و پاها را سوراخ کرده‌اند.

لباسهایم را بین خود تقسیم می‌کنند و بر ردای من قرعه می‌اندازند.

اما تو ای خداوند، از من دور مشو! ای پاور من، به دادم برس!

Der Herr ward gehorsam bis zu Tod, ja zum Tod am Kreuz.

Mein Gott, mein Gott, warum hast du mich verlassen? Ich schreie, aber meine Hilfe ist ferne.

Ich aber bin ein Wurm und kein Mensch, ein Spott der Leute und verachtet vom Volk.

Alle, die mich sehen, verspotten mich, sperren das Maul auf und schütteln den Kopf:

»Er klage es dem HERRN, der helfe ihm heraus – und rette ihn, hat er Gefallen an ihm.«

Meine Kräfte sind vertrocknet wie eine Scherbe, und meine Zunge klebt mir am Gaumen.

Denn Hunde haben mich umgeben, und der Bösen Rotte hat mich umringt.

Sie teilen unter sich meine Kleider und werfen das Los um mein Gewand.

Aber du, HERR, sei nicht ferne; meine Stärke, eile, mir zu helfen!

## Predigtlesung (V)

Kolosser 1,13-20

- 13 او ما را از چنگ نیرومند ظلمت رهانید و به پادشاهی پسر عزیزش منتقل ساخته است.
- 14 خدا به وسیله او ما را آزاد ساخته و گناهانمان را آمرزیده است.
- 15 مسیح، صورت و مظهر خدای نادیده است و نخستزاده و بالاتر از همه مخلوقات.
- 16 زیرا به وسیله او هر آنچه در آسمان و زمین است، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، پادشاهان، حکمرانان و اولیای امور آفریده شدند، آری تمام موجودات به وسیله او و برای او آفریده شدند.
- 17 او قبل از همه چیز وجود داشت و همه چیز به وسیله او با هم ارتباط پیدا می‌کند.
- 18 او سر و منشاء بدن یعنی کلیساست و نخستین کسی است که پس از مرگ زنده گردید تا تنها او در همه چیز مقام اول را داشته باشد.
- 19 زیرا اراده خدا بر این تعلق گرفت که او دارای الوهیت کامل باشد.
- 20 و به وسیله مسیح، همه چیز را با خود آشتی داد و به وسیله ریختن خون مسیح بر روی صلیب، صلح و دوستی بین خدا و هر آنچه در آسمان و زمین است، برقرار گردید.

## Tag der Kreuzigung des Herrn

زیرا خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان شود.

Also hat Gott die Welt geliebt, dass er seinen eingeborenen Sohn gab, auf dass alle, die an ihn glauben, nicht verloren werden, sondern das ewige Leben haben.

*Spruch des Tages – Johannes 3,16*

### Eingangspsaln (Introitus) Nr. 32

خدای من، خدای من! چرا مرا ترک کردی؟ چرا از من دور هستی و کمک نمی‌کنی و به فریادم نمی‌رسی؟

Der Herr ward gehorsam bis zu Tod, ja zum Tod am Kreuz.

Mein Gott, mein Gott, warum hast du mich verlassen? Ich schreie, aber meine Hilfe ist ferne.

اما من کرم هستم، نه انسان. نزد همه کس خوار و خفیف شده‌ام.

Ich aber bin ein Wurm und kein Mensch, ein Spott der Leute und verachtet vom Volk.

هر که مرا می‌بیند مسخره‌ام می‌کند، آنها سر خود را می‌جنبانند.

Alle, die mich sehen, verspotten mich, sperren das Maul auf und schütteln den Kopf:

و می‌گویند: «تو به خداوند توکل کردی، چرا او تو را نجات نمی‌دهد؟ اگر خداوند تو را دوست دارد، چرا به تو کمک نمی‌کند.»

»Er klage es dem HERRN, der helfe ihm heraus – und rette ihn, hat er Gefallen an ihm.«

گلویم همچون سفال خشک شده و زبانم به سقف دهانم چسبیده است و تو مرا بر روی خاک، در حال مرگ رها کرده‌ای.

Meine Kräfte sind vertrocknet wie eine Scherbe, und meine Zunge klebt mir am Gaumen.

دشمنان، یعنی این گروه شریر، مانند سگ، دور مرا گرفته‌اند و دستها و پاهای مرا سوراخ کرده‌اند.

Denn Hunde haben mich umgeben, und der Bösen Rotte hat mich umringt.

لباسهایم را بین خود تقسیم می‌کنند و بر ردای من قرعه می‌اندازند.

Sie teilen unter sich meine Kleider und werfen das Los um mein Gewand.

اما تو ای خداوند، از من دور مشو! ای پاور من، به دادم برس!

Aber du, HERR, sei nicht ferne; meine Stärke, eile, mir zu helfen!

## Predigtlesung (VI)

Matthäus 27,33-54

- 33 وقتی به محلی به نام جلجتا یعنی جمجمه رسیدند،  
34 شراب آمیخته به داروی بیهوش کننده به او دادند، اما وقتی آن را چشید نخواست بنوشد.  
35 آنها او را به صلیب میخکوب کردند. آنگاه لباسهایش را به قید قرعه میان خود تقسیم نمودند  
36 و برای پاسداری در آنجا نشستند.  
37 جرم او را بر لوحی به این شرح نوشتند: «این است عیسی، پادشاه یهود» و بر بالای سرش نصب کردند.  
38 دو راهزن را نیز با او مصلوب کردند، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او.  
39 کسانی که از آنجا میگذشتند سرهای خود را میجنبانیدند و با دشنام به او میگفتند:  
40 «تو که میخواستی معبد بزرگ را خراب کنی و آن را در سه روز از نو بسازی، اگر واقعاً پسر خدا هستی از صلیب پایین بیا و خودت را نجات بده.»  
41 همچنین سران کاهنان و علما و مشایخ یهود او را مسخره کرده، میگفتند:  
42 «او دیگران را نجات می داد، اما نمی تواند خودش را نجات دهد. اگر پادشاه اسرائیل است، حالا از صلیب پایین بیا و ما به او ایمان خواهیم آورد.  
43 او به خدا توکل داشت و می گفت که فرزند خداست، پس اگر خدا را دوست داشته باشد او را آزاد می سازد.»  
44 حتی راهزنانی هم که با او مصلوب شده بودند، همین طور به او توهین می کردند.  
45 از ظهر تا ساعت سه بعد از ظهر تاریکی تمام زمین را فراگرفت.  
46 نزدیک ساعت سه عیسی با صدای بلند فریاد کرد: «ایلی، ایلی، لما سبقتنی؟» یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟»  
47 بعضی از کسانی که آنجا ایستاده بودند این را شنیده گفتند: «الیاس را می خواند.»  
48 یکی از آنان فوراً دوید و اسفنجی را آورده، در شراب ترشیده فرو برد و بر نوک چوبی قرار داده، جلوی دهان عیسی برد.  
49 اما دیگران گفتند: «بگذارید ببینیم آیا الیاس می آید او را نجات دهد یا نه!»  
50 عیسی بار دیگر فریاد بلندی کشید و جان سپرد.  
51 در آن لحظه پرده اندرون مقدس معبد بزرگ از بالا تا به پایین دو پاره شد و چنان زمین لرزه ای شد که تخته سنگها شکافته  
52 و قبرها باز شدند و بسیاری از مقدسین که خفته بودند برخاستند  
53 و از قبرهای خود بیرون آمده، بعد از رستاخیز عیسی به شهر مقدس وارد شدند و بسیاری از مردم آنان را دیدند.  
54 وقتی افسر رومی و افراد او که به پاسداری از عیسی مشغول بودند، زمین لرزه و همه ماجرا را دیدند بسیار ترسیدند و گفتند: «بدون شک این مرد پسر خدا بود.»

## Tag der Kreuzigung des Herrn

زیرا خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هرکه به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان شود.

Also hat Gott die Welt geliebt, dass er seinen eingeborenen Sohn gab, auf dass alle, die an ihn glauben, nicht verloren werden, sondern das ewige Leben haben.

*Spruch des Tages- Johannes 3,16*

### Eingangspsaln (Introitus) Nr. 32

خدای من، خدای من! چرا مرا ترک کردی؟ چرا از من دور هستی و کمک نمی کنی و به فریادم نمی رسی؟

اما من کرم هستم، نه انسان. نزد همه کس خوار و خفیف شده ام.

هر که مرا می بیند مسخره ام می کند، آنها سر خود را می جنبانند.

و می گویند: «تو به خداوند توکل کردی، چرا او تو را نجات نمی دهد؟ اگر خداوند تو را دوست دارد، چرا به تو کمک نمی کند.»

گلویم همچون سفال خشک شده و زبانم به سقف دهانم چسبیده است و تو مرا بر روی خاک، در حال مرگ رها کرده ای.

دشمنان، یعنی این گروه شریر، مانند سگ، دور مرا گرفته اند و دستها و پاهای مرا سوراخ کرده اند.

لباسهایم را بین خود تقسیم می کنند و بر ردای من قرعه می اندازند.

اما تو ای خداوند، از من دور مشو! ای پاور من، به دادم برس!

Der Herr ward gehorsam bis zu Tod, ja zum Tod am Kreuz.

Mein Gott, mein Gott, warum hast du mich verlassen? Ich schreie, aber meine Hilfe ist ferne.

Ich aber bin ein Wurm und kein Mensch, ein Spott der Leute und verachtet vom Volk.

Alle, die mich sehen, verspotten mich, sperren das Maul auf und schütteln den Kopf:

»Er klage es dem HERRN, der helfe ihm heraus – und rette ihn, hat er Gefallen an ihm.«

Meine Kräfte sind vertrocknet wie eine Scherbe, und meine Zunge klebt mir am Gaumen.

Denn Hunde haben mich umgeben, und der Bösen Rotte hat mich umringt.

Sie teilen unter sich meine Kleider und werfen das Los um mein Gewand.

Aber du, HERR, sei nicht ferne; meine Stärke, eile, mir zu helfen!

## Epistel

### 2. Korinther 5,(14b-18)19-21

- 14 زیرا محبت مسیح حاکم بر تمام افکار و کارهای ماست چون می‌دانیم اگر یک نفر به‌خاطر همه انسانها مُرد، مسلّم است که همه در مرگ او مُردند.
- 15 آری، او برای همه مُرد تا آنانی که زنده‌اند دیگر برای خود زندگی نکنند، بلکه برای او زیست نمایند که به‌خاطر آنها مُرد و دوباره زنده شد.
- 16 دیگر ما دربارهٔ هیچ‌کس از روی معیارهای انسانی قضاوت نمی‌کنیم، گرچه زمانی ما چنین قضاوتی دربارهٔ مسیح داشتیم، ولی دیگر چنین قضاوتی نداریم.
- 17 کسی‌که با مسیح متحد است، حیاتی تازه دارد. هر آنچه کهنه بود درگذشت و اینک زندگی نو شروع شده است.
- 18 اینها همه از طرف خدایی است که به وسیلهٔ مسیح، ما را که قبلاً دشمنان او بودیم به دوستان خود تبدیل کرده است و ما را موظف ساخت که به دشمنان دیگر او هم اعلام کنیم که آنها نیز می‌توانند دوستان او بشوند.
- 19 به عبارت دیگر خدا به جای اینکه گناهان انسان را به حساب آورد، به وسیلهٔ مسیح با جهان مصالحه نمود و پیام این مصالحه را به ما سپرده است.
- 20 پس ما سفیرانی از جانب مسیح هستیم و گویی خدا به وسیلهٔ ما شما را می‌خواند. پس ما به عنوان سفیران مسیح از شما التماس می‌کنیم: با خدا مصالحه کنید.
- 21 مسیح کاملاً بی‌گناه بود، ولی خدا به‌خاطر ما او را بی‌گناه شناخت تا ما به وسیلهٔ اتحاد با او مانند خود خدا کاملاً نیک شویم.

## Evangelium

### Johannes 19,16-30

- 16 سرانجام پیلطس عیسی را به دست آنها داد تا مصلوب شود. پس آنها عیسی را تحویل گرفتند.
- 17 عیسی درحالی‌که صلیب خود را می‌برد، به جایی‌که به «محلّه کاسه سر» و به عبری به جُلجتا موسوم است، رفت.
- 18 در آنجا او را به صلیب می‌خکوب کردند و با او دو نفر دیگر را یکی در دست راست و دیگری در سمت چپ او مصلوب کردند و عیسی در وسط آن دو نفر بود.
- 19 پیلطس تقصیرنامه‌ای نوشت تا بر صلیب نصب گردد و آن نوشته چنین بود: «عیسای ناصری پادشاه یهود.»
- 20 بسیاری از یهودیان این تقصیرنامه را خواندند، زیرا جایی‌که عیسی مصلوب شد از شهر دور نبود و آن تقصیرنامه به زبانهای عبری و لاتین و یونانی نوشته شده بود.
- 21 بنابراین، سران کاهنان یهود به پیلطس گفتند: «نویس پادشاه یهود، بنویس او ادعا می‌کرد که پادشاه یهود است.»
- 22 پیلطس پاسخ داد: «هرچه نوشتم، نوشتم.»
- 23 پس از اینکه سربازان عیسی را به صلیب می‌خکوب کردند، لباسهای او را برداشتند و چهار قسمت کردند و هر یک از سربازان یک قسمت از آن را برداشت ولی پیراهن او که درز نداشت و از بالا تا پایین یک‌پارچه بافته شده بود، باقی ماند.
- 24 پس آنها به یکدیگر گفتند:
- «آن را پاره نکنیم، بیابید روی آن قرعه بیندازیم و ببینیم به چه کسی می‌رسد.»
- به این ترتیب کلام خدا که می‌فرماید: «لباسهای مرا در میان خود تقسیم کردند و بر ردایم قرعه افکندند.» به حقیقت پیوست و سربازان همین کار را کردند.
- 25 نزدیک صلیبی که عیسی به آن می‌خکوب شده بود، مادر عیسی به اتفاق خواهرش مریم زن کلوپاس و مریم مجدلیه ایستاده بودند.
- 26 وقتی عیسی مادر خود را دید که پهلوئی همان شاگردی که او را دوست می‌داشت ایستاده است، به مادر خود گفت: «مادر، این پسر توست.»
- 27 و بعد به شاگرد خود گفت: «و این مادر توست.» و از همان لحظه آن شاگرد او را به خانهٔ خود برد.
- 28 بعد از آن عیسی دید که همه‌چیز انجام شده است، گفت: «تشنه‌ام.» و به این طریق پیشگویی کلام خدا تحقق یافت.
- 29 خمره‌ای پر از شراب تُرشیده در آنجا قرار داشت. آنها اسفنجی را به شراب آغشته کردند و آن را بر سر نی‌ای گذارده جلوی دهان او گرفتند.
- 30 وقتی عیسی به شراب لب زد گفت: «تمام شد.» بعد سر به زیر افکنده جان سپرد.